

محمد امین (فروتن)

**شکست های بزرگ در کسوت یک پیروزی !!**  
**« نگاه قومی » به بحران سیاسی ! یا خودکشی از ترس مرگ !**  
**به بهانه آء آخرین گفتگویی جلالتمآب حامد کرزی رئیس**  
**جمهوری اسلامی افغانستان با رادیو BBC**

( قسمت سوم و پایانی )

اگر در جامعه ای ضعیفاً نتوانند حق خود را از قدرتمندان بدون لکنت زبان در یافت کنند حکومت این جامعه مقدس نیست .

« حضرت علی ( رض ) به نقل از پیامبر اسلام (ص) »

نا درستی هرچند هم که در باره آء آن تبلیغات فراوان به عمل آید به حقیقت مبدل نخواهد شد ، و حقیقت هم هرچند هیچ کس آنرا نه ببیند نا درست نخواهد بود .

« مها تما گاندهی رهبر و پیشوای بزرگ مردم هند »

می گویند ! روزی یک شرکت تجارتي اعلام کرده بود که با مدیری با چند سال سابقه مؤفق ، تسلط کامل به چند زبان خارجی و دارای تحصیلات عالی نیازمندیم و شخصی با تحصیلات اندک و بدون سابقه مدیریت و نا آشنا به زبان های خارجی مراجعه کرد ، و قتی پرسیدند که برای چه منظور آمده ائی ؟ آن مرد بدون وقفه ای جواب داد ، آمده ام بگویم که روی من حساب نکنید!! . وقتی گفتگوی جلالتمآب حامد کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان را از امواج رادیو B.B.C شنیدم و در ذهن خود مرور می کردم هرچند جلالتمآب کرزی در بسیاری موارد با شرائطی که آن شرکت تجارتي غرض انتخاب یک مدیر بیان کرده بود مطابقت دارد ، اما با دریغ فراوان که علی الرغم این همه مواصفات نه میتوان روی توانمندی و ظرفیت های لازم برای مدیریت سیاسی و استراتژییک جامعه ما بوجود شریف آن بزرگوار حساب کرد! این گونه تحلیل و برداشت از شخصیت جلالتمآب کرزی وقتی قوی تر

میشود که جلالتمآب شان در برابر یک پرسش جامعه شناختی و تعیین شاخص های مشروعیت نظام سیاسی و اجتماعی در افغانستان قرار می گیرد و در پاسخ به یک پرسش از همین دست چنین بیان می کنند: «**شماری مردم میخواهند قانون از طریق سربازان به زور اعمال شود و شماری هم بزرگان اقوام باید مشکلات را حل کنند و خواهان حل معضلات مطابق عنعنات افغانستان هستند ، این راه افغانستان است . هر صلحی که توسط بزرگان اقوام در این سرزمین پیاده شده نتیجه اش پایدار بوده است . در آنجاییکه قتل ، ظلم و دزدی شده است ، درست است که باید صلح شود . حتی در جامعه ما مردم در قبال قتل ها صلح می کنند.**» هر چند بیان دقیق و اجرای همه جانبه مبحث قانون و دولت در جامعه ما نیاز مند باز اندیشی و تجدید نظر در الگو ها و پارادایم های مسلط بر دانش اجتماعی رائج است مگر باز گو کردن ساده اندیشانه و سطحی گرایانه مفاهیم پراهمیت تاریخی و سیاسی از سوی جلالتمآب کرزی رئیس جمهور اسلامی افغانستان تقریباً بر دست آورد های بزرگ علمی و فلسفی دانشمندان نامور منطقه و جهان خط بطلان کشیده است !! بدون هرگونه تردید در شرائطی که به نظر میرسد همه راه های طی شده در چند سال اخیر به بن بست رسیده است و در شرائطی که خستگی مفرط سیاسی همگان را گرفتار کرده ، سخنان شعارگونه ای از جلالتمآب رئیس جمهور اسلامی افغانستان که طی صحبت مفصل با رادیو BBC انجام داده است ، جز مراجعه به نسخهء معروف و آزموده شده در جوامع و کشور های پس از جنگ «**شعار درمانی سیاسی**» نه میتوان تلقی کرد ؛ شاید جلالتمآب کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان فراموش کرده است که بیان عمومی حادثهء یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ یکی از بزرگترین فرصت های بود که به قیمت خون چندین هزارانسان بی گناه و ویرانی عظیم ترین نشانه های از تمدن بشری در تاریخ ما و تاریخ بشریت بدست آمد ه بود و جلالتمآب کرزی از خاکروبه ها و ویرانه های چنین تمدن پر عظمت بشری در کسوت یک رئیس جمهور و ظاهراً با رأی مستقیم توده های محروم افغانستان به بیرون آورده شد ! و باز هم شاید رئیس دولت فخریه جمهوری اسلامی افغانستان فراموش کرده است که وی به نمائنده گی کدام نسلی و در کدامین عصری سخن میگویند ؟ و اصلاً چه میگویند ؟ ببینیم کجایش درست است ، کجایش عیب دارد ؟ بدون هرگونه تعارف ، باید گفت که نسل جوان و معاصر جامعه ما به اینجا رسیده است که سرنوشت کنونی جلالتمآب کرزی و لشکری از مداحان و متملقین وی از وجود یک فاجعه درد ناکی خبر می دهند ، آنچه را که جلالتمآب کرزی باور دارند و آنچه را که بر اساس این اعتقاد انجام میدهند به جایی نه میرسند ! چنانچه ریاست محترم جمهوری اسلامی افغانستان با میتود «**شعار درمانی**»

راهی را به جایی نه برد و با این شیوه و ناکام تنها فقر و هزاران رنج اقتصادی و فرهنگی مردم فقیر و ستمدیده ما را به نام فرقه، به نام قبیله، به نام خاک و هزاران رشتهء شرک آلود دیگری "توجیه شرعی!" میکنند؛ بویژه آنگاهی که آسمان و ریسمان را باهم می بافند و سپس مجموعه ای از پاسخ های تکراری و نخ نما ی را به عنوان «صلح» و احترام به رأی بزرگان، قوم و قبیله را به مثابه ء نمادی از «دموکراسی و حکومت قانون» اعلام می فرمایند! به کمال احترام و حرمت به مقام انسانی و معنوی جلالتمآب کرزی رئیس محترم جمهوری اسلامی افغانستان تا جائیکه میتوانم راحت و صریح بنویسم، بی پرده پوشی، و مصلحت اندیشی، صریح و صمیمی، آنچنانکه خودم مرور کنم و بخوانم، احساس نکنم که به شعور ام توهین شده است. وقتی گفتگوی جلالتمآب کرزی را با رادیو B.B.C شنیدم و سپس با دقت مرور کردم و مهمتر از همه، آنگاهی که برخی از مهره های خورد و بزرگ همکاران و گماشته گان «قدرت های اجنبی» ساکن در این میدان شطرنج را میبینم که چگونه فاجعهء وارد بر جامعه و مردم ما را «امر خداوندی و الهی» می شمارند، بیش و پیش از هر روز و هر کس دیگری احساس میکنم که به «شعور» میلیون ها مردم فقیر و بیوای افغانستان توهین می شود؟ شگفت انگیز است که تحمل این درد مشترک را در همه و در یک جمع انسانی و افغانی احساس میکنم، و باز هم احساس میکنم که چگونه یک «درد بینوای از مظلومیت» همچون باد و باران، درخت «هویت و تمدن» ما را تکان می دهند؟ و آنگاه که به یاد فرصت سوزی ها و بعضی فرصت طلبی ها و اهمال کاری های دوستان میافتم و از آن طرف فضای مسموم شده و آغاز قبل از وقت تبلیغاتی انتخاباتی ریاست جمهوری اسلامی افغانستان را، و جسد نیمه جمهوری را می بینم که بر شانه های برداشت و قرائت ناتوان از اسلام خود را می کشاند تا بلکه خود را در بستر یک تمدن کهن اسلامی از نابودی نجات دهد، آن وقت است که اتفاقاً بیشتر از همیشه انگیزه پیدا می کنم و البته می دانم که تحرک و امیدواری و امید دادن چقدر سخت است در این شرایط که خیلی ها به کار پاشیدن بذر ناامیدی مشغولند تا انفعال و بی تحرکی درو کنند و به سادگی و آسانی کار خویش را به پیش برند. اما مگر می توانیم جز امید داشتن و امید دادن و ایستادن، کار دیگری هم بکنیم؟ از گفتگوی جلالتمآب کرزی با بنگاه نشراتی رادیو BBC با کمی دقت بصورت واضح معلوم میگردد که جلالتمآب شان سعی دارند تا «شکست های بزرگ جامعه ما را در کسوت یک پیروزی نامداری» در آورند. شاید جلالتمآب کرزی فراموش کرده است که وقتی نا رضایتی ها به چنان برخورد های ذات البینی قومی و سمتی انجامد که قدرت جدید را از اساس متزلزل گردانند، لهذا نخستین مسأله نزد حاکمان حفظ قدرت

می گردد، زیرا، تمام شرکای مافیائی نظام میدانند که کوچکترین تغییر در معادله قدرت به نابدی حتمی همه آنها می انجامد. جالب است یکی از برجسته ترین توجهاتی که در گفتگوی تاریخی جلالتمآب کرزی با رادیو B.B.C وجود دارد و بدان در چندین وجه پرداخته است، مسأله « مشروعیت » رژیم جمهوری اسلامی افغانستان است که جلالتمآب کرزی قصد کرده است تا در قرن بیست و یکم که عصر تأسیس « دولت های مدرن » نیز نامیده میشود با تحلیل های کلاسیک و طبقاتی خود آنرا با مشروعیت برخاسته از اراده و واقعاً ملی و توده های مردم تلقی کنند !!؛ لهذا در یک جو پر التهاب و غریزه آلود قدرت خواهی سیاسی، وقتی خبرنگار رادیو B.B.C راجع به نتایج کار پروسه پیوستن مخالفان رژیم در چهار چوب « کمیسیون صلح و آشتی ملی » که بریاست شخصیت روحانی کشور جناب حضرت صاحب مجددی و درعین حال رئیس کنونی مجلس سنای افغانستان و رهبر گروهی ( **جبهه نجات ملی و اسلامی افغانستان** ) که در دوران جهاد شخص رئیس جمهور عضویت آنرا داشتند از جلالتمآب کرزی رئیس جمهور اسلامی افغانستان می پرسد و در باره فعالیت آن نظر منفی ارا ئیه میکنند، جلالتمآب کرزی با ژست قدرتمندانه و آمیخته با شعار های میان تهی همیشه گی اش چنین پاسخ میدهند: « بسیار نتیجه داده است. همین که پنج هزار نفر به دولت پیوسته اند، گام بزرگی است. اگر یک خانواده هم شامل ای روند شود کار بزرگی انجام داده است، هرروز دراین راستا کار جریان دارد، هر روز شماری از بزرگان طالبان می آیند، با من صحبت می کنند، در این راستا خیلی کار شده و تحول بزرگی در کشور رونما شده است. اینکه چرا تا اکنون جنگ و بمباران ادامه دارد، این موضوع عوامل دیگری دارد. در این رابطه ما تنها طالبان را ملامت نه میکنیم. آن عده طالبانی که از این خاک هستند، دشمن این سرزمین نیستند، دشمنان از نام طالب علیه این خاک استفاده میکنند. هم به آنها ضربه وارد میکنند و هم به این وطن. » وقتی خبر نگار رادیو B.B.C در برابر اینگونه اظهارات، متقابلاً چنین پرسشی را مطرح میکند که: **این دشمن کیست؟** جلالتمآب حامد کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان بصورت نا خود آگاه اهداف پنهانی و بنیادی دشمنان استراتژیک افغانستان را دنبال میکند و بی صبرانه چنین اظهار می دارند: « معلوم است، دشمن معلوم است. القاعده و خارجی ها هستند. آنها دشمن این خاک، دشمن این قوم، دشمن افغانها، دشمن مردم پاکستان و خصوصاً پشتونها هستند. به نام طالب با افغانستان و با پاکستان دشمنی می کنند. طرفداران و عناصر القاعده به نام طالبان به ویژه با پشتونها دشمنی میکنند، شما ببینید، امروز در پاکستان چه میگذرد. چهل و دو تن از بزرگان اقوام را تنها برای اینکه جرگه برگزار می

کردند ، شهید کردند ، در روز عید در چهار سده پاکستان حمله کرده و انسان های بیگانه را در جریان ادای نماز شهید کردند . این یک حمله ظالمانه از سوی طرفداران القاعده به عنعنات ، رسم و رواجها ، زندگی ، اقتصاد مردم و بزرگان این قوم است . طالبان باید این را درک کنند که به نام طالب و تحت عنوان طالبها در افغانستان و پاکستان با مسلمانان و بویژه پشتون ها دشمنی می شود . « علی الرغم اظها رات نا مناسب فوق که با مطالعه و ارزیابی اندک آن ، میتوان اندیشه سیاسی جلالتمآب کرزی را نه تنها نسبت به تمامی قضایای کشور دریافت ، بلکه بیانات و پاسخ های عجولانه جلالتمآب کرزی رئیس محترم جمهوری اسلامی افغانستان در برابر این پرسش خبرنگار رادیو B.B.C که : « چرا با پشتون ها دشمنی میشود و چرا به گفته شما پشتونها سرکوب میشوند ؟ » جلالتمآب کرزی با فراموش ساختن !! تمامی مسؤلیت های خود در برابر مردم و کشورتاریخی و کهن افغانستان ، گویا تنها به نیابت گروه چند نفره ای از صادر کننده گان « لبرال دموکراسی امریکائی!! » به سطح جهانی پاسخ میدهد ، که به قول جرج دبلیو بوش رئیس جمهور ایالات متحده امریکا از جانب پروردگار بزرگ مأ موریت یافته اند !!! تا به داد ملت های اسیر و تحت ستم برسند و ملت های را که زیر سلطه نظام های نا عادلانه و قرون وسطی قرار دارند نجات دهند .!! در چنین حال و هوا است که بدون توجه به پرسش خبرنگار رادیو B.B.C به فکر بخشی از وظائف جهانی برای صدور دموکراسی مافیائی از جنس امریکائی در پاکستان بوده است ، می افتد ، و بر سر قدرت آمدن حزب ملی عوامی پاکستان برهبریی آقای اسفند یار ولی خان بهترین و بزرگترین نمونه ای از روحیه اصلاح طلبانه در پشتونها می شمارند !! و در همین باره چنین میفرمائند : « انتخابات در ایالت سرحد نشان داد که پشتونها نه افراطی هستند و نه همکاردهشت افگنان ، بلکه برعکس اگر اختیار ( به آنان ) داده شود ، روشن میشود که آنها یک قوم مظلوم هستند ، مورد حمله قرار گرفته اند ، تمامی دارائی شان مورد حمله قرار گرفته است ، باید از آن دفاع کنند و دیگر کشور ها با آنها همکار شوند تا باشد دشمنان این کشور نابود شوند . « گمان نه میکنم جلالتمآب کرزی رئیس جمهور اسلامی افغانستان از شناخت استراتیژی و سیاست های عمومی کشورها ی همجوار افغانستان و از همه مهمترراجع به تاریخ پراز فراز ونشیب جامعه ما تا این حد بی اطلاع بوده باشند که نتوانند ، از مناسبات تنگا تنگ برخی نیروهای فعال سیاسی جامعه ما و زمامداران کشور افغانستان با اسلاف حزب عوامی ملی پاکستان برهبریی اسفند یار ولی خان که در نتیجه برگزاری انتخابات عمومی ماه مارچ ۲۰۰۸ پاکستان زمام حکومت ایالتی سرحد در پاکستان را به عهده گرفته اند ، درک نکنند . مسخره ترین پاسخی که از

قول یک مقام مسؤل شماره یک کشور تا اکنون شنیده ایم این است که در گذار تاریخی دموکراسی و تحلیل های محرمانه و اشد محرم خویش با بی اهمیت جلوه دادن فرهنگ باستانی و ملی خویش در واقع همان استراتیژی را محقق سازد که در امتداد یک مسیر طولانی تاریخ دشمنان گوناگون این میهن در پی آن بودند! بنا بر این امروز حتی ساده اندیشانی از نسل معاصر و بالنده نیز درک کرده اند و میدانند که اهداف سلطه طلبانه استعمار جهانی بویژه کشورهای همجوار افغانستان، نابودی کامل و محو هویت ملی و استقلال تاریخی و سیاسی آن است. چنانچه میبینیم بسیاری از مفاهم دموکراتیک و حتی دینی در قالبی به نام «**دولت جمهوری اسلامی افغانستان**» دچاری از خود بیگانه گی و قلب ماهیت می شوند و مطابق با این دکترین سیاسی بحران حاکم بر کشور را بنام «**قومیت**» ، «**پشتونیزه**» می سازند ، شگفت انگیز است که جلالتمآب کرزی در کسوت مرد شماره اول افغانستان آگاهانه و یا هم نا آگاهانه همان دکترین سیاسی بیگانه گان را با برنامه های ویرانگر آن تکرار می کنند. گذشته از آن «**پشتو نیزه کردن**» فاجعه ای بوده ، که در امتداد سه دهه کامل بر درخت تنومند وحدت ملی افغانها چسبیده است، برای نخستین بار پس از وقوع فاجعه یازدهم ستمبر ۲۰۰۱ میلادی و در کنفرانس تاریخی شهرک «پیتزربرگ» «بن» با مقاطعه ای برخی از چهره های نامدار این گردهم آئی با «**استدالات بنی اسرائیلی**» مواجه گشت ، تحقق منافع بیگانه ها را به نمایش گذاشت. جان مطلب آنجاست که در گرماگرم آن گردهم آئی ، جنرال مشرف رئیس جمهوری اسلامی پاکستان که یکی از نظریه پردازان اصلی تیورئی «**پشتو نیزه کردن**» بحران افغانستان محسوب میگردید ، کمیته امنیت ملی پاکستان را غرض ارزیابی حوادث پاکستان و منطقه به قصر ریاست جمهوری آنکشور فرا خواند ، که به قول مطبوعات پاکستان آن زمان ، بحث بر سر مسأله افغانستان بویژه موضوع مقاطعه برخی از چهره های معلوم الحال آن گرد هم آئی که در بستر استراتیژی تاریخی آنکشور رخداده بود در سر خط موضوعات اجلاس کمیته امنیت ملی پاکستان قرار گرفت. جالب است که یکتن از رجال نامدار و شخصیت های مطرح در گرد هم آئی «**بن**» **محترم دکتور عبدالستار سیرت** رئیس گروه موسوم به جریان "**روم**" پس از گذشت تقریباً شش سال از آن گردهم آئی برای نخستین بار در یک نشست تلویزیونی و در جمع برخی چهره های سیاسی و اجتماعی کشور، مقیم لاس انجلس ایالات متحده امریکا ، پرده از روی زد و بند های کنفرانس تاریخی " بن " با لخصوص تیورئی کهنه و زنگزده «**پشتونیزه کردن**» مشروعیت سیاسی اداره مؤقت افغانستان بر داشتند ، این گونه اظهارات از سوی یک شخصیت مهم و با صلاحیت در کشور افغانستان که خود نیز از

داشتن بسیاری از تبعیض های زبانی ، قومی و حتی جنسی مبرأ می باشند ، این منطق جامعه شناسان و فعالان امور سیاسی را تقویت می بخشند که در واقع سرشت نظام سرمایه داری مافیائی حاکم بر افغانستان و منطقه که مملو از تبعیض های دوامدار و نابرابری های قومی است ، علی الرغم زندگی در قرن بیست و یکم از بین نرفته و همچنان فعال و نیرومند است . تحولات و رویداد های تاریخی سه دهه نشان میدهند که هر اندازه سیستم مافیائی سرمایه داری به آرزوی دیرین خود در تبدیل شدن به نظام جهانی سرمایه داری نزدیک تر شده ، نابرابری ها و تبعیض های قومی ، قبیله ای و زبانی نیز بصورت های مختلف تداوم یافته اند . هرچند این نابرابری ها و تبعیض ها به صورت های متفاوت در مناطق گوناگون به مشاهده میرسند ، اما به هیچ وجه تنها مختص به منطقه یا قبیله ای معینی نیست بلکه در هر قوم و قبیله به نوع و اشکال جداگانه ای به نمائیش گذاشته میشوند !! به هر حال به نظر من ، وقتی برای ورود اقتصاد بازار آزاد در یک جامعه عقب نگه داشته شده شرائط عینی و ذهنی فراهم نگردد و مانند سائر کالاهای بازار های دنیا به سیر و کیلو خریداری و در جوامع عقب نگاهداشته شده ای پس از جنگ بصورت وافر عرضه گردد طبیعی است که این روندی از پیشرفت که بصورت فریبینده و کاذب ماسک « تمدن » و « پیشرفت اقتصادی » را پوشیده است ، مؤلداً ناروا ترین تبعیض ها و بی عدالتی ها می گردند که سرانجام این بی عدالتی ها و تبعیض های قومی و قبیله ای با مرز بندی ها و شگاف های سیاسی و فرهنگی گوناگون انطباق میابند . که موجب بروز تنشهای گوناگون و جنبش های کوچک و بزرگ در قالب فرهنگ ها و سنت های ایدئولوژیک شده ، مذهبی ، قومی و ملی شکل می گیرند . لذا میتوان گفت هرچند این خیزشها و حرکت های قومی و قبیله ای پوشش فرهنگی دارند ، ولی در اصل از حرکت های خشونت باری به سطح بین المللی سرچشمه می گیرند . من اکیداً بر این باور هستم که طرح مسائل حقوقی اقوام و قبا ئل مختلفه در کشور ما افغانستان ، آنهم در شرائطی که بود و نابود هویت تاریخی ، و ملی قومی به مخاطره افتیده است که در امتداد یک تاریخ دراز کشور همچون حلقه های زنجیر و نگینه های گرانبهای از وحدت ملی در مرز های از اقوام و قبا ئل گوناگون زندگی کرده اند ، از جانب دیگر بخصوص در وادی هدایت و رهبری ملت ها از « نوع افغانی » اش آنچه در حال حاضر می بینیم دمیدن نوعی از ناسیونالیزم مجهز به ابزار فاشیستی است که از سوی گروه بزرگی از مستشاران افغان تبار خارجی و عوامل داخلی آنها به مثابه یک پروژه عقیم ساختن روح آزادی خواهانه نسل جوان این کشور صبح و شام مؤ عظه می شوند . حالاً چنین کسانی که مرتباً با طرح مسائل فرعی و نادرست خویش ، مشغول تیوریزه کردن جنایات زورمندان

اند و می کوشند تا فلان رهبر و فلان رئیس جمهور بی خبر از اوضاع تار و تار یک مملکت را وادار کنند که مهری بر تا ئید استراتژیی بزنند که دشمنان پیدا و ناپیدای بیرونی و داخلی از سالها بدینسو برای تحقق آن لحظه شماری میکنند !! بدون تردید مسأله « پشتونیزه ساختن » بحران کنونی افغانستان که اخیراً در گفتگوی جلالتمآب حامد کرزی رئیس جمهور اسلامی افغانستان با رادیو B.B.C بیان گردیده است ، تولیداتی از همین دست به شمار می آیند . اما در پایان این گفتگوی مفصل جلالتمآب حامد کرزی با رادیو B.B.C مسائلی که به عنوان طرح ها و گامهای برای جبران این نقائص روحی و اجتماعی مطرح شده است ، ضرورت انجام چنین گفتگوی بدون پیش زمینه های لازم را برملا می سازند . در عین حال که بیان خط مشی و استراتژیی از سوی یک مقام کاندید برای یک پست حقوقی و حقیقی لازم و از واجبات یک جامعه مدنی و دموکراتیک است ، ولی به نظر من شدت و ترکیز بر مسائل غیر ضروری و تأثیر آن با لحن و بحث یک کاندید به مقام ریاست جمهوری نه تنها در متون ادبیات سیاسی معاصر بلکه در طول و عرض تاریخ جامعه شناسی و علوم سیاسی یک سنت ناپسندیده و مزوم تلقی می گردد . البته میزان ناپسندیدی این گونه مباحث حقوقی زمانی برملا میگردد ، و ورد زبان عام و خاص می شود که گوینده گان متن و کسانی که برای احراز کرسی یک مقام تلاش هایشانرا آغازیده اند ، حین ادای کلیمات و در چند جمله محدود گفتاری بصورت شعاری از « ضمیر مفرد متکلم » استفاده کنند ، البته با کمی دقت و غور ادبی در گفتگوی اخیر جلالتمآب کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان استفاده از این میتود بصورت فراوان به مشاهده می رسند . چنانچه جلالتمآب کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان در گفتگوی خود با رادیو B.B.C ضمن تبصره بر عدم پذیرش آقای اشداؤن دیپلومات انگلیسی تبار سازمان ملل متحد که از سوی دبیرکل سازمان ملل متحد به عنوان نماینده ویژه خود در افغانستان نامزد شده بود ، همین شیوه ( ادای ضمیر مفرد متکلم ) را در گفتار های خود بکار برده است . چنانچه جلالتمآب کرزی در پاسخ به این پرسش خبرنگار رادیو B.B.C ... اما این یگانه موضوع میان حکومت شما و بریتانیا نیست ، موضوع مسترد کردن ما موریت « لارد پدی اشداؤن » ، به عنوان نماینده سازمان ملل متحد برای افغانستان ، موضوع دیگری بود که ظاهراً بر روابط شما و بریتانیا تاثیر گذاشت . چنین پاسخ میدهد : « موضوع رد ما موریت آقای اشداؤن بر این اساس نبود که او شهر وند بریتانیا بود . ا و از جانب سازمان ملل متحد گماشته می شد . من یکماه قبل از نامزدی اش به این پست در کویت با او صحبتی داشتم . شخص هوشمند و لائق است . اما پس از آن مطبوعات بین المللی به ویژه رسانه های بریتانیا



موضوعاتی را مطرح کردند که گویا ما **اشداون** را به نفع افغانستان نه میدانیم . در رسانه ها تلاش میشد تا نظام و دولت افغانستان راضیع جلوه دهند. وقتی من بار آخری با او (**اشداون**) صحبت کردم و با هم توافق کردیم که او به افغانستان بیاید ، فردای آن روز در روزنامه تایمز چاپ لندن مقاله ای به نشر رسید که مسائیل نادرست مبنی بر تفرقه میان دولت و مردم در آن مطرح شده بود . من پس از مطالعه آن مقاله که شاید هم در آن گناه اشداون نبود تصمیم گرفتم که این ما موریت را نه می پذیریم . این تصمیم برای حفظ وحدت ملی افغانستان ، و وحدت مردمی و برای دفاع از این خاک گرفته شد و این یک قربانی کوچکی بود ، برای من هرآن چیزی مهم است که به نفع ملت و خیر مردم باشد . کار های زیادی انجام دادیم که من از آن خرسند هستم ، بویژه از این خرسند هستم که این وطن دوباره محلی برای همه افغانها شده است هرکسی حالاً میتواند به افغانستان بیاید و زندگی کند . مجاهد ، کمونیست ، پول دار ، فقیر . این برای من بزرگترین افتخار است . کار های دیگری هم در این خاک انجام شده است اما کارهای هم مانده که باید انجام شود و این آرزوی من است که بر نامه هیم را تکمیل کنم . اگر احساس کنم که خدمت لازم را برای کشور انجام داده ام و مردم از من حمایت میکنند و اگر احساس کردم که باید به کار ادامه بدهم در آن صورت ادامه میدهم . اما اگر احساس کنم که بگذار یک نسل جدید و مردم جدید روی کار بیایند و رهبری این وطن را بهعهده بگیرند ، راه را برای آنها بازخواهم گذاشت. ولی حرف مهم این است که افغانستان بسوی ثبات و توسعه حرکت کند . « اکنون وقتی دیدیم که جلالتمآب کرزی در گفتگوبا رادیو B.B.C با استعمال « ضمیر مفرد متکلم » غریزه قدرت خواهی اش را اینگونه فرومینشانند ، طبیعی است که وی در تمامی زمینه های سیاسی و تاریخی نمیتواند از « جغرافیای شعار و توهم » عدول کند ، لهذا جلالتمآب کرزی به مطلب مهمی که انگیزه اصلی برگزاری این گفتگو با ید نامیده شود روبرو می گردد و آقای داؤد اعظمی خبرنگار رادیو B.B.C سوالی را راجع به سرنوشت آئنده کشور اینگونه متوجه جلالتمآب کرزی میسازد که : **شما گفتید که پس از یک سال خواهید دید که آیا وجود شما به خیر این ملت است یا خیر ، حالاً چه احساس میکنید ؟ اگر انتخابات برگزار شود ، خود را دوباره کاندید میکنید یا خیر ؟** و با طرح چنین پرسش راجع به کاندیداتوری مجدد آقای کرزی برای سمت ریاست جمهوری اسلامی افغانستان که از سوی خبرنگار رادیو B.B.C مطرح گردید ، نه تنها پرسش کننده به این باور بوده که طرح این پرسش خود علت واضح ترتیب و برگزاری این گفتگو نامیده میشود ، بلکه یک شنوینده ای که در دور ترین رستا و ده کشور زندگی میکند و اخبار و گزارش های میهن اش را

پیگیری میکنند ، وقتی این پرسش را که حاوی چگونگی درک اراده ای از جلالتمآب کرزی برای مشارکت در انتخابات آینده افغانستان میباشد ، بشنوند لاجرم تصور شان این است که این گفتگوی رادیوی از سوی جلالتمآب کرزی ، به معنی گشایش و آغاز رسمی فعالیتهای انتخاباتی است که به نمایندگی از چندین شخصیت واجد شرائط ریاست جمهوری اسلامی افغانستان آنرا رسماً افتتاح نمودند . جلالتمآب کرزی در پاسخ به این پرسش خبرنگار B.B.C که : **شما گفتید که پس از یکسال خواهید دید که آیا وجود شما به خیر این ملت است یا خیر ، حالا چه احساس میکنید ؟ اگر انتخابات برگزار شود ، خود را دوباره کاندید میکنید یا خیر ؟** چنین اظهار نمودند : **« هنوز این یک فرضیه است . مهم این است که شما از کار های که انجام داده اید راضی هستید یا نه . من در مواردی که کار شده ، راضی هستم . جاده ها ساخته شده ، صاحب عزت شده ایم ، پرچم افغانستان در جهان به اهتزاز درآمده است و افغانستان خانه همه شده ، شورای ملی ، قانون اساسی به میان آمده کلینیک ها ساخته شده ، وضع آموزش و پرورش بهتر شده ، حالا افغانستان از جمله کشور هایست که در همه جا حضور دارد و صاحب نظر است . اما ازاینکه هنوز مردم افغانستان به شهادت میرسند ناراضی هستم . سر انجام به عنوان یک افغان ، بزرگترین آرزوی من این است که فرزندان این کشور از این غم نجات یابند . »** چنین است که متأسفانه برخی ها حتی از روی صداقت و لابد به قصد خدمت به مردم و جامعه واژه های **« پیشرفت ، ترقی و دموکراسی »** را که در فرهنگ سیاسی جوامع عقب مانده معاصر منجمله افغانستان تبدیل به **« تعویذ شفا بخشی »** شده اند و هیچ تعریفی جز **« استبداد »** و **« حاکمیت اشراف »** ندارند ، تظہیر میکنند و میکوشند تا ثابت شود که واقعاً به برکت این **« مردان الهی »** که به نمائنده گی از خداوند (ج) مأموریت دارند تا جهان را از عناصر **« شر و فساد »** پاک کنند و در جهان دهکده مانند کنونی وظائف خطیری از زعامت جهان را به عهده گیرند ؛ !! برای اینکه دریابیم این سخنان چه نسبتی با دموکراسی و گفتمان اصلی زعامت سیاسی در جامعه ما دارد ، کافی است که سخنان جلالتمآب کرزی رئیس محترم جمهوری اسلامی افغانستان با رادیو B.B.C را در ارتباط با فرایند ملت سازی در افغانستان و نگاه عمومی وی به این گفتمان بنگریم تا بلکه بتوانیم توانمندی زعامت سیاسی را در وجود وی دریابیم .

یا هو